



نخست‌وزیر کره جنوبی استعفا کرد

زبان پارسی عامل وحدت‌بخش

وطن امروز

بدرود سلطان!

بین

متنی از سازندگان «من روحانی هستم»

روایت یک

مستند دانشجویی

گروه چندرسانه‌ای شفق

«پسرم درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس



قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تبری شناختم و زندگانی سوده‌مند آنان را با دوران زیبارش شناسایی کردم. این قسمتی از نامه امام علی علیه‌السلام به فرزندان امام حسن مجتبی علیه‌السلام است. خرداد ۹۲ که تمام شد حجت‌الاسلام حسن روحانی رئیس‌جمهور منتخب شده بود. برای افرادی که سیاسی بودند روحانی فرد جدیدی نبود، او را می‌شناختند و با خط‌مشی‌هایش آشنا بودند. روحانی یک روحانی مبارز انقلابی بود که بعد از انقلاب هم همواره در کنار انقلاب بوده اما انگار عده‌ای که رئیس‌جمهور را نمی‌شناختند دچار سوءتفاهم شده بودند.

در فیلم‌های تبلیغاتی آقای رئیس‌جمهور هم این قضیه کامل نمایان بود اما احساس می‌شد انگار افرادی نمی‌خواهند واقعیت دیده شود. همانجا بود که به ذهنمان جرقه ساخت مستندی با موضوع زندگی روحانی رسید. با توجه به تأکید رئیس‌جمهور بر آزادی بیان و قلم، بسم‌الله گفتیم و مطالعه را که شروع کردیم، دیدیم اینقدر مطالب زیاد است که نمی‌دانستیم از کجا شروع کنیم! اهم و مهم کردیم و وقایعی را انتخاب کردیم. ملاک انتخابمان روشن شدن منش سیاسی رئیس‌جمهور در هر زمان بود. دسترسی به اطلاعات هم به راحتی نبود. به بعضی از اسناد بنابر نظر برخی مسؤولان جدید از بعد از انتخابات دسترسی نداشتیم. بعضی اطلاعات هم کلا گم شده بود و همه دنبالش بودیم!

با خیلی‌ها تلاش کردیم مصاحبه کنیم اما تا موضوع را می‌فهمیدند یا رد می‌کردند یا وقت نمی‌دادند. خودمان هم اصرار بر اسناد و مدارک معتبر داشتیم تا مبدا مطلب کذب را نسبت بدهیم و الحمدلله همه مطالب را بر پایه مستندات قوی پیدا کردیم. ملاک انتخاب منابع را نزدیکان و وابستگان آقای روحانی گذاشتیم که می‌دانستیم رئیس‌جمهور با بیان مساله از جانب ایشان مشکلی ندارند.

با هر سختی بود مستند ساخته شد. روز تولد رئیس‌جمهور یعنی ۹ دی را برای رونمایی انتخاب کردیم. رونمایی هم اینترنتی بود. آن موقع که رونمایی می‌کردیم فکرش را هم نمی‌کردیم این مستند اینقدر مورد استقبال دانشجویان قرار بگیرد. اولین استقبال دانشگاه تهران بود، دانشکده حقوق و علوم سیاسی یعنی دانشکده خود آقای رئیس‌جمهور، روز بیستم بهمن سالن جابر نصاری پر شد. اکثریت قریب به اتفاق راضی سالن را ترک کردند و از زمان ساخت فصل دو می‌پرسیدند. تقریباً از اکثر دانشگاه‌های کشور درخواست اکران داشتیم و خیلی‌ها هم نتوانستند رضایت مسؤولان دانشگاهشان را برای مجوز بگیرند و مسؤولان دانشگاه به آنها مجوز ندادند. خیلی‌ها هم نتوانستند و مستند در سطح دانشگاهی کشور اکران شد. ذهنیت‌های مختلفی از فیلم ایجاد می‌شد. عده‌ای آن را یک فیلم حمایتی از رئیس‌جمهور و عده‌ای یک فیلم انتقادی می‌دانستند. به هر حال هر مخاطبی یک برداشتی دارد. جالب این بود که هر چه جلوتر می‌رفتم فضای اکران‌ها پرشورتر می‌شد. همین اواخر در دانشگاه شریف اکران شد که از همه اکران‌ها شلوغ‌تر و پر شورتر بود. ما هم راضی بودیم. پیام ما به مخاطب رسیده بود و الحمدلله این پیام صادقانه و منصفانه بود.

تا اینکه به یک‌باره و بعد از روز زن و در کاشف مذاکرات هسته‌ای هجده‌گانه مستند شروع شد. انگار یک جبهه توپخانه‌ای رسانه‌ای شروع به آتش کرد. توپخانه‌هایی که ۴ ماه بعد از رونمایی مستند پادشاه افتاده بود باید بمباران کنند. شاید چاشنی‌هایشان آماده نبود و شاید هنوز زمان حمله نرسیده بود. جبهه‌ای که در روزهای هفته تصمیم گرفته بود تا از روز شنبه مستندمان را بمباران کند. آنها مستند ما را مثل یک تله انفجاری می‌دانستند. یعنی یک اثر فرهنگی را در فضای جنگ رسانه‌ای و حتی امنیتی و حقوقی بردند. این فیلم که یک مستند متقن بود، برده شد در فضای اختلافات فیلم مجلس زانه خانم رئیس‌جمهور و انگار تلافی بود.

ادامه در صفحه ۱۲



حکم اعدام ۸۶ ایرانی در مالزی

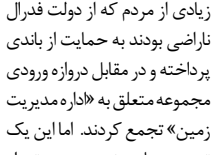
صفا‌زایی مسلحانه گله‌داران آمریکایی در برابر مأموران

تسلیم دولت فدرال در مقابل یک گاوچران شش‌لول‌بند

قادرترین دولت جهان که خود را مدعی حفظ امنیت چهار گوشه جهان می‌داند در مقابل گاوچران‌های شش‌لول‌بند تسلیم شد. مناقشه بین گاوچران‌های ایالت نوسادا در آمریکا با مأموران دولت تا درگیری مسلحانه پیش رفته اما با تسلیم دولت فدرال در برابر خواسته‌های گله‌داران بدون تلفات پایان یافت. این رویداد ثابت کرد ایالات متحده که همواره

کشورهای مستقل را با گزینه‌های نظامی روی میز تهدید می‌کند حتی در مقابل شهروندانی که روی مأموران فدرال اسلحه می‌کشند آسیب‌پذیر و ذلیل است چه رسد به ملت‌هایی که اراده کرده‌اند در مقابل عمو سام بایستند. به گزارش تسنیم به نقل از رویترز، دعوی میان یکی از گاوچران‌های بزرگ ایالت بیابانی نوادا و مأموران مسلح «داره مدیریت زمین» تا آستانه درگیری مسلحانه پیش رفت. کلایون باندی که یک ملاک سنتنی و یک بانکدار واقعی است با ایستادن در برابر خواست دولت حالا تبدیل به یک قهرمان محلی شده است. ماجرا زمانی آغاز شد که مأموران «داره مدیریت زمین» گله بسیار

بزرگ باندی را ضبط کردند. اداره مدیریت زمین مدعی بود گله‌های وی به مدت ۲۰ سال به صورت غیرقانونی در زمین‌های متعلق به دولت فدرال مشغول به چرا بوده‌اند. باندی از سال ۱۹۹۳ از پرداخت حق چسرا اجتناب ورزیده و اعلام کرده بود تملک دولت بر این زمین‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. زمانی که اداره مدیریت زمین برای ضبط گله او به منطقه آمد تعداد زیادی از مردم که از دولت فدرال ناراضی بودند به حمایت از باندی پرداخته و در مقابل دروازه ورودی مجموعه متعلق به «داره مدیریت زمین» تجمع کردند. اما این یک تجمع عادی نبود چون تعداد زیادی گاوچران بانکی که در جریان این رویارویی با سلاح‌های گرم بعضاً تمام خودکار در این تجمع حاضر شده بودند، سلاح‌های خود را به سمت مأموران دولتی آمریکا نشانه رفته بودند تا در صورت بروز درگیری به سمت آنها شلیک کنند. متعاقب این اتفاق فوجی از مأموران پلیس هم با سلاح‌های پیشرفته به محل اعزام شدند اما دولت فدرال ترجیح داد در مقابل گاوچران‌های مسلح کوتاه بیاید و مناقشه در نهایت با بازگرداندن گله باندی پایان یافت.



گله‌داران آمریکایی در برابر مأموران

فروپاشی زبان یعنی فروپاشی تمدن

صادق کریمیار *

سیاست، نیروی نظامی و جمعیت نیز اگر هم‌پای فرهنگ و ادب و هنر رشد داشته باشد، می‌توان باور داشت که تمدن آن قوم نه‌تنها پولیت بلکه بر دیگر تمدن‌ها نیز تأثیر خواهد گذاشت و در گذر زمان بر خرده‌تمدن‌ها چیره خواهد شد و آنها را زیر پوشش خود قرار خواهد داد. می‌گویند تمدن رو به زوال، زبان این تمدن را نیز در مسیر فروپاشی قرار می‌دهد و اساسا پستی و نشیب یک زبان، معلول علت‌های گوناگونی نظیر فروپاشی سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و هنری است. از سوی دیگر، حرکت و واپس‌گرایی زبان نیز می‌تواند بر فروپاشی سیاسی، اقتصادی و علمی تأثیر داشته باشد؛ به این معنا که یک سیاستمدار برای چیرگی بر حریف نیاز به زبانی قدرتمند دارد، یک اقتصاددان برای پیروزی در عرصه اقتصادی نیاز به زبانی پویا دارد تا بتواند بر زمین بازی بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود؟

آیا این نگران‌کننده است که زبان و خط فارسی در انتقال پیام اینگونه دگرگون شده است؟ آیا این اتفاق شروعی برای مسخ و در نهایت فروپاشی خط و زبان پارسی است یا یک پدیده زودگذر اجتماعی است که بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود؟

فناوری‌های ارتباطی؛ فرصت‌ساز یا مشکل‌ساز؟ به نظر می‌رسد تحول فناوری نوین به همراه خود فرهنگ و روش ارتباطی ویژه‌ای به ارمان می‌آورد که هم می‌تواند نگران‌کننده باشد و هم فرصت‌ساز. هم می‌تواند عاملی برای تسلط فرهنگی محسوب شود و هم زمینه‌ای برای رشد زبان ارتباطی. نگرانی نسبت به آسیب‌پذیری زبان و خط فارسی نگرانی تازه‌ای نیست. اگرچه تازگی این نگرانی در این دوران ناشی از تازگی دگرگونی‌های ارتباطات جهانی است. در طول تاریخ ایران‌زمین، نقاط عطفی وجود دارد که هر یک می‌توانست زبان فارسی را به نابودی و فراموشی سپارد اما اینچنین نشده؛ از حمله اعراب گرفته تا یورش مغولان و سپس بازشدن پای غربیان به سرزمین‌های پارسی‌زبان که هر کدام به تنهایی این توان را داشتند تا بر زبان فارسی تأثیر ویرانگر بگذارند اما پارهای دلایل باعث شد زبان فارسی از تمام این تهدیدها فرصت بسازد و همچنان به عنوان زبان اصلی ایرانیان وسیله ارتباط در حوزهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، علمی، هنری و ادبی باقی بماند. بی‌گمان مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلایلی که تاکنون موجب ماندگاری و نامیرایی زبان فارسی شده، وجود ادبیات غنی و ریشه‌دار فارسی است. اشعار رودکی، کتاب‌هایی چون شاهنامه، شعرهای حافظ، آثار سعدی و نظامی و دیگران که هر یک به تنهایی می‌توانند هویت یک ملت را بازتعریف و جاودانه کنند. تردیدی نیست که چنین آثار ارزشمندی در خلأ پدید نیامده و یک‌شبه آفریده نشده‌اند، بلکه هر یک از آنها بر و بازده فرهنگ و تمدنی پویا و رو به رشد بوده است. از این رو است که درمی‌یابیم هرگاه تمدنی پویا و تأثیرگذار باشد، لاجرم زبان آن قوم نیز در مسیر حرکت تمدنی همان قوم بالنده خواهد شد. فرهنگ و ادب یکی از اصلی‌ترین نمودارهای پویایی تمدن است. نشانه‌های دیگری مانند علم،

ادامه در صفحه ۱۲

یادداشت روز

نگاهی به اظهارات اخیر رفسنجانی و ابتکار

مکان‌یابی هاشمی در منازعه ضدانقلاب

مهدی محمدی

پس از اتفاقات پنجشنبه دو هفته پیش در بند ۳۵۰ زندان اوین، مهم‌ترین اولویت جریان ضدانقلاب این بوده که به هر قیمت ممکن پسی دولت را به این معرکه باز کند و سخن خود را در دهان دولتیان بگذارد.

درباره آنچه آن روز در اوین اتفاق افتاد ابهام چندانی وجود ندارد. همه آنچه در روزهای گذشته درباره خشونت و ضرب و شتم در این زندان گفته شده در واقع بزنگمایی‌ها و جوسازی‌هایی است که هدف از آن پوشاندن صورت‌مساله اصلی است. صورت‌مساله اصلی هم چیزی جز این نیست که پس از مدت‌ها یک شبکه بزرگ انتقال اطلاعات جعلی و خبرسازاری علیه نظام کشف شده و ضربه‌ای جدی دریافت کرده است، بنابراین طبیعی است دریافت‌کنندگان این اطلاعات که در واقع صاحبان اصلی این شبکه هستند، هر چه از دستشان برمی‌آید برای انتقام‌گیری از نظام انجام دهند. بویژه بی‌بی‌سی فارسی که مدت‌هاست معلوم شده یک رسانه نیست بلکه ترمینالی برای ایجاد هماهنگی میان طیف‌های مختلف ضدانقلاب و متصل نگه داشتن روابط آنها با داخل کشور است، بیش از همه عصبانی شده و تلاش می‌کند بحرانی را که در واقع دامن خودش را گرفته به بحرانی برای کل نظام تبدیل کند.

تا اینجا کار چندان عجیب نیست. ضدانقلاب ضربه‌ای خورده و در حال واکنش نشان دادن است. آنچه عجیب است این است که به تدریج نشانه‌هایی آشکار شده از اینکه یک سر مهم ماجرا در داخل کشور است و آنها هم که در بیرون سر و صدا راه‌انداخته‌اند، در اصل در پی فعال کردن شرکای داخلی خویشان با این هدف که یک حمله گاز انبری از داخل و خارج به دستگاه‌های قضایی و امنیتی و در نهایت به کل نظام سامان داده شود.

ماجرا به‌طور ساده این است؛ هنوز ساعتی از درز خیر اتفاقات بند ۳۵۰ نگذشته بود که منابع ضدانقلاب و مشخصاً بی‌بی‌سی گفتند این حادثه آزمونی برای دولت روحانی است و پس از دوره‌ای تندبذب و یکی به نعل و یکی به میخ زدن، حالا زمان آن رسیده که دولت همراهی واقعی خود را با شعارهای جبهه اصلاحات نشان دهد. مشخصاً تأکید می‌شد این سخن دو مخاطب اصلی دارد، یکی شخص رئیس‌جمهور و دیگری وزارت اطلاعات. فضایی در حال ایجاد شدن بود که اگر رئیس‌جمهور در آنچه تاکنون گفته صادق است پس هم خود او باید به این موضوع ورود کند و علیه آن موضع بگیرد و هم دستگاه امنیتی‌اش. به بیانی اندکی فنی‌تر، در زمان کوتاهی معلوم شد تاکتیک ضدانقلاب و سرویس‌های اطلاعاتی اداره‌کننده آن، برای تبدیل‌کردن این فرصت به تهدیدی برای کلیت نظام، این است که این موضوع را بدل به بهانه‌ای برای ایجاد یک رویارویی ساختاری میان دولت و قوه‌قضائیه کنند و دولت را به این جمع‌بندی برسانند که با وجود اینکه می‌داند پس‌صحنه چه بوده و آن روز در اوین چه گذشته، به صحنه بیاید و از در دفاع از این باند ضربه‌خورده رویارویی دستگاه قضا - که کاری جز عمل به وظیفه‌اش نکرده - بیاستد.

ادامه در صفحه ۱۲

آگهی مزایده حضوری (حراج) نوبت دوم

شهرداری یزدانشهر در استان کرمان در نظر دارد، به استناد مجوز شماره ۸ شورای اسلامی شهر از طریق مزایده حضوری (حراج) تعداد ۱ دستگاه کمپرسی اویکو، ۲ دستگاه کمپرسی رنو، ۲ دستگاه کمپرسی بنزاتکو، ۱ دستگاه لودر، ۱ دستگاه بیل بکهو و ۱ دستگاه پژو پارس خود رابفروش رساند. متقاضیان بایستی بمدت ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی ضمن واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال بحساب شماره ۰۲۱۰۷۲۳۰۱۷۰۰۴ نزد بانک صادرات جهت خرید اسناد مزایده و بازدید از ماشین آلات همه روزه به شهرداری یزدانشهر مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۳۲۴۰۲۵۱۲ تماس حاصل فرمایند شهرداری در رد یا قبول پیشنه‌هاات مختار است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد. سایر شرایط در اسناد مزایده درج شده است.

محمدرضا ایزدی - شهردار یزدانشهر